



ضمیمه هفتگی روزنامه همشهری

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سر دبیر: دانیال معمار
معاون ضمایم: پروانه بهرام نژاد
دبیر ویژه نامه: زکیه سعیدی
تحریریه: فرزین شیرزادی، سروش جنایی، سمیرا باباجانپور
تریار روزپنهانی: حسن حسن زاده، شهره کیانوش راد، حمیدرضا
رسولی، بهاره خسروی، فاطمه لیا، صفورا صادقی و مقداد مهربانی

واحد فنی:

مدیر فنی: حامد یزدانی، مدیر هنری: مهدی سلامی
طراح گرافیک و صفحه آرایی: حمید یزدانی، سعید غفوری و امید روشنگر
عکس: گروه عکس همشهری، ویرایش عکس: کامیاب نویدی
صفحه خوانی: سمانه مومن، هاله جوانفر، اعظم آجور بندیان

صندوق پستی: ۱۹۳۹۵۵۴۴۶
تلفن: ۲۳۰۲۳۴۶۴
نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

چاپ: همشهری
توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوین
پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰



همشهری

گروه ضمایم همشهری ناشر نشریات:

دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایدار، اقتصاد، تندرستی، خردنامه، داستان، دانستنیها، سرزمین من، ماه، معماری، ۲۴، شهرنگار، سرخ و محله

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر ۳، نرسیده به پارک وی، کوچه شهید فریبتی، شماره ۱۴، روزنامه همشهری

بهترین قصه‌های تاریخی تهران
جایزه می‌گیرند

صفحات «روایت تهران» که پیش روی شماست، به انعکاس روایت‌های خواندنی تاریخ تهران قدیم و سرگذشت شخصیت‌ها و نامداران، خیابان‌ها و گذرها، واقعه‌های تأثیرگذار و تاریخ شفاهی طهران تعلق دارد. با عکس‌های یادمانداز خاطرات تهران دیرروز و قصه‌ها و ماجراهای پس‌پشت این عکس‌ها، شما هم می‌توانید در انتشار این صفحه که متعلق به خود شما و شهر شماست ما را همراهی کنید. «همشهری» بهترین عکس‌ها و قصه‌هایی را که برای ما ارسال می‌کنید با نام خودتان منتشر و شما «همشهریان همراه» هدیه‌ای تقدیم می‌کند.
نشانی و شماره تماس ما: ۰۲۲-۲۲۲۵۵۵-۴۴۲، mahaleh@hamshahri.org

مژدگانی ۵۰ هزار تومانی برای یافتن رئیس شهربانی

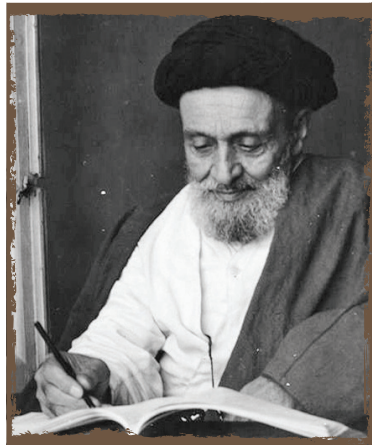


موضوع: قتل سر تیپ افشار
موقعیت: محله صفا علیشاه، ارتفاعات لشکرک و گورستان تجریش

کودتا را دشوار می‌ساخت. اول اردیبهشت ۱۳۳۲ ساعت یک نیمه شب خبر مفقود شدن رئیس شهربانی را به نخست‌وزیر دادند. از سوی دولت مبلغ ۵۰ هزار تومان مژدگانی برای یافتن رئیس شهربانی اعلام شد و به دستور دکتر مصدق، وزیر کشور پرونده را شخصاً بر نظر گرفت. آل‌عوض در بخش دیگر صحبت‌هایش از روز ششم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۳۲ یاد می‌کند، روزی که با پیدا شدن جسد این افسر وفادار به دکتر مصدق، تهران در بهت فرو رفت. او در ادامه تعریف می‌کند: «افشار طوس وفاداری خود را بارها به شخص دکتر مصدق و دولتش اثبات کرده بود. به همین دلیل، دکتر مصدق هم به او علاقه خاصی داشت. اما بعد از جست‌وجوی‌های فراوان، جسد سر تیپ محمود افشار طوس در غار تلو در ارتفاعات لشکرک در شمال تهران پیدا شد. جسد طناب‌پیچ شده شهید افشار طوس در حالی که قرآن کوچکی که «فنادی یاس» به مشتری‌ان هدیه می‌داد، در جیب کت افسری او قرار داشت، کشف شد. مصدق او را نخستین شهید ملی نامید. به گفته این تهران‌پژوه، مراسم تشییع این افسر وفادار به دکتر مصدق با حضور انبوه مردم و اکثریت دولتمردان برگزار شد و همین باعث اتحاد و همبستگی بزرگ ملی شد. دولت روز تشییع را عزای ملی اعلام کرد و پخش موسیقی از برنامه‌های رادیو حذف شد. جسد شهید ملی کشور در آرامگاه خانوادگی‌شان در قبرستان تجریش، محل فعلی بیمارستان شهدای تجریش، به خاک سپرده شد.

ماجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از شب ۳۱ فروردین همان سال بار بوده شدن سر تیپ محمود افشار طوس، رئیس شهربانی تهران شروع شد. روزنامه اطلاعات گزارش مفصلاً از ماجرای ناپدید شدن تیمسار محمود افشار طوس به این شرح منتشر کرد: «شب ۳۱ فروردین ۱۳۳۲ پس از اتمام کار و طبق قرار تلفنی افشار طوس با حسین خطیبی، تیمسار افشار طوس، ساعت ۹ شب در محله صفا علیشاه، کوچه خانقاه، از ماشین خود پیاده شد و راننده به کلانتری برگشت و منتظر دستور او ماند، ولی رئیس کل شهربانی کشور هیچ‌وقت بازنگشت». اما راز قتل سر به مهر این تیمسار وفادار به مصدق چه بود؟ چرا باید قبل از هر اقدامی رئیس شهربانی تهران از میان برداشته می‌شد و به قتل می‌رسید؟! اردشیر آل‌عوض، تهران‌پژوه در این باره می‌گوید: «با قتل رئیس شهربانی تهران، ۴ ماه قبل از کودتای ۲۸ مرداد، مخالفان دکتر مصدق جسارت‌شان را به رخ دکتر و طرفدارانش کشیدند. تیمسار افشار طوس با قدرت و نفوذی که داشت بسیاری از کارشکنی‌ها و توطئه‌ها را خنثی می‌کرد. یکی از خدمات برجسته افشار طوس، خنثی کردن توطئه قتل دکتر مصدق در نهم اسفند ۱۳۳۱ بود. قدرت او در شهربانی مسلماً زمینه‌سازی برای

شبی که خانه آیت‌الله سنگ‌باران شد



موضوع: سنگ‌باران خانه آیت‌الله کاشانی
موقعیت: پامنار

به کودتای ۲۸ مرداد که بحث و جدل میان گروه‌های مختلف بالا گرفته بود، به خانه آیت‌الله حمله شد، اما حمله توده‌ای‌ها به خانه آیت‌الله کمی فرق داشت. حاج‌علی‌اکبر ماجرای حمله توده‌ای‌ها به خانه آیت‌الله را اینطور تعریف می‌کند: «آن شب مجلس روضه در خانه برپا بود. اهالی محله و چهره‌های سیاسی بسیاری در آن جلسه روضه خانگی حضور داشتند؛ آنقدر که روی ایوان و حیاط خانه جابری سوزن انداختن نبود. واعظ روی منبر مشغول سخنرانی بود و همه حاضران با دقت به او گوش فرا داده بودند. پدرم در آبدارخانه را بسته بود تا پس از سخنرانی، وقت پذیرایی از مهمانان برسد. من هم در گوشه‌ای از حیاط نشسته بودم و به جمعیت نگاه می‌کردم. ناگهان از ضلع غربی خانه آیت‌الله که خانه دیگری قرار داشت، سر و صدایی به گوش رسید و یک نارنجک دستی به داخل حیاط خانه آیت‌الله پرت شد. طولی نکشید که گروهی از توده‌ای‌ها که توسط انگلیسی‌ها تحریک شده بودند وارد خانه شدند و با چوب و قمع به جان حاضران در جلسه افتادند. پدرم میان آن شلوغی من را زیر راه‌پله خانه آیت‌الله مخفی کرد تا آسیب نبینم. از همانجا بود که من تمام وقایع را دیدم. درگیری بلا گرفته بود که یکی از حاضران در جلسه، آیت‌الله کاشانی را که در حیاط و پای منبر نشسته بود به داخل یکی از اتاق‌ها برد تا اینکه درگیری تمام شد.»

هنوز خردسال بود که نخستین جرقه‌های کودتای ۲۸ مرداد در محله آنها زده شد. حاج‌علی‌اکبر کاظمی موحد، در محله پامنار مو سفید کرده و مهم‌ترین وقایعی را که در محله کودکی‌اش از سر گذرانده بی‌کم و کاست در خاطر دارد. حاج‌علی‌اکبر می‌گوید: «آیت‌الله کاشانی در محله پامنار به دنیا آمد و شد امام جماعت مسجد محله. اهالی پامنار آنقدر آیت‌الله را دوست داشتند که برای استقبال از او در روز بازگشت از تبعید سنگ تمام گذاشتند. ۲۰ خرداد ۱۳۳۹ هرگز از خاطر اهالی قدیمی محله پاک نمی‌شود؛ همان روزی که آیت‌الله از تبعید برگشت و پامناری‌ها از فرودگاه مهرآباد تا خیابان پامنار یعنی مسافتی به طول ۲۷ کیلومتر را برای استقبال از آیت‌الله طاق نصرت بستند. در خانه آیت‌الله همیشه به روی اهالی محله باز بود. حتی وقتی رئیس مجلس شد هم اوضاع تغییر نکرد و همچنان مجالس روضه خانگی و جلسات دیدار با اهالی محله به راه بود. پدرم آبدارخانه منزل آیت‌الله را در روزهایی که جلسات سخنرانی و مجلس روضه برپا بود مدیریت می‌کرد. وقتی جمعیت زیاد می‌شد، من هم کنار دست پدرم گاهی کمک‌حالش بودم. روزهای منتهی

دسیسه مشترک سیا و سرویس اطلاعات بریتانیا

موضوع: مستندات جاسوسی آمریکا و انگلیس
موقعیت: تهران، ویرجینیا، لندن

پس از گذشت بیش از ۶۰ سال از کودتای ۲۸ مرداد، سازمان جاسوسی آمریکا اسنادی را منتشر کرده است که ابفای نقش سازمان سیا را در این کودتا اثبات می‌کند. این سازمان به برنامهریزی و اجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران کمک جدی کرده است. اشاره صریح به نقش سیا در یک کپی از سوابق داخلی این سازمان با عنوان «بازاره برای ایران» آمده است! محمود منیعی، تهران‌پژوه درباره این اسناد می‌گوید: «در اسناد منتشر شده سیا به صراحت بیان شده است کودتای نظامی که مصدق و کابینه او را سرنگون کرد، با هدایت سیا و به عنوان اقدام سیاست خارجی آمریکا صورت گرفت. براساس این اسناد آمریکا قصد داشته با شکلی قانونی یا شبه‌قانونی دولت مصدق را با یک دولت طرفدار غرب به نخست‌وزیری زاهدی عوض کند. همچنین از دیگر مواردی که سیا منتشر کرده است شامل فایل‌هایی از «کریمیت روزولت»، افسر ارشد میدانی سیا در ایران و حین کودتاست. این اسناد جزئیات جدید و همچنین عمیقی را در خصوص اقدامات این آژانس اطلاعاتی پیش و پس از عملیات فراهم می‌کند. هدف عملیات از آکس سرنگونی دولت محمد مصدق، بازسازی منزلت و قدرت شاه و جایگزینی دولت مصدق

بادولتی بود که ایران را با سیاست‌های مدنظر آمریکا اداره کند. بنا به این سند همچنین هدف کودتا این بوده که دولتی بر سر کار بیاید که دولت‌های غربی بتوانند درباره بازار نفت با آن به توافق برسند. در مارس ۱۹۵۳ (اسفند ۳۱- فروردین ۳۲) وزارت خارجه آمریکا از سازمان سیا می‌خواهد امکان ساقط کردن دولت مصدق از طریق عملیات مخفیانه را بررسی کند. نتیجه ارزیابی سیا این است که امکان چنین عملیاتی وجود دارد. پس از آن مقرر شد سیا به همراه سرویس اطلاعات سوری بریتانیا (SIS) که به نام Mi6 شناخته می‌شود عملیات سرنگونی مصدق را به انجام برسانند. کریمیت روزولت، رئیس بخش خاور نزدیک و آفریقای سازمان سیا نخست‌بار رئیس دفتر ایران سیا، راجر گولران و ۲ افسر اطلاعاتی دیگر در بیروت دیدار می‌کند و سپس در ۱۴ ژوئن ۱۹۵۳ (۲۴ خرداد ۳۲) طرح کودتا به دفتر سرویس اطلاعات سوری بریتانیا ارائه می‌شود. عملیات کودتا شامل گام‌های متعددی بود که توسل به تبلیغات سیاسی برای تضعیف مصدق از نظر سیاسی، فروریختن ترس پهلوی برای همکاری، رشوه‌دهی به اعضای مجلس، سازماندهی نیروهای امنیتی و ترتیب دادن تظاهرات خیابانی از جمله آنها بود. در واقع کمونیسم‌هراسی، خرج کردن سازمان یافته دلار و تزریق آن به عوامل وابسته در داخل کشور و نیز کمک گرفتن از نیروهای مسلح در کنار اختلاف‌افکنی و دوقطبی‌سازی بخش‌هایی از تلاش‌ها و زمینه‌سازی‌ها برای موفقیت در کودتا و میوه‌چینی از آن بود.»

